

آچارکشی

عربستان نزولی



پوریا عالمی

● عواقب توافق هسته‌ای ایران هنوز ادامه دارد؛ در نتیجه قوی‌شدن ایران در منطقه، عربستان سعودی تضعیف شد و به عربستان نزولی تغییر نام داد. گسره القاعده نیز اعلام کرد ما مایوس شدیم و چیزهای دیگر.

طالبان نیز اعلام کرد ما دیگر طالب نیستیم و طلبی نداریم.

گروه داعش گفت ما کاری به این کارها نداریم و کار خودمان را می‌کنیم.

روسیه اعلام کرد ما خیلی برای ایران خوشحالییم و به همین مناسبت نیروگاه بوشهر را ۳۰ سال دیگر کش می‌دهیم.

آمریکا اعلام کرد من دلم پیش شماسست اما خانواده و کنگره موافق نیستند و می‌گویند ما اختلاف داریم. اوباما گفت اگر قبول کنید من بدون کنگره خدمت برسم.

فرانسه گفت ما خونمان را حاضریم در راه رفاقت تقدیم کنیم که ایران گفت نه قریونت از شما به ما رسید.

دلوایسان اعلام کردند بعد از هر آرامشی حتما توافق می‌شود، بهتر نیست توفان را به وجود بیاوریم؟

پرسه

حمایت جهانی از ایران

● چند روزی است در شبکه‌های اجتماعی ویدئویی دست‌به‌دست می‌شود که در آن برخی ستاره‌های هالیوود مثل «مورگان فریم»، «جک بلک» و «تاتاشا لیون» حمایت خود را از توافق هسته‌ای با ایران اعلام می‌کنند. این ویدئو طراحی شده است تا مردم ایالات متحده را ترغیب کند در برابر نمایندگان کنگره آمریکا از باراک اوباما، رئیس‌جمهور این کشور و توافق هسته‌ای با ایران حمایت کنند. این ویدئو توسط سازمان خلع سلاح هسته‌ای «گلوبال زیرو» (GLOBAL ZERO) که سازمانی غیرسیاسی و غیرجانحی است، برای تأثیرگذاری بر رای کنگره آمریکا در سپتامبر طراحی شده است. در وب‌سایت گلوبال زیرو، این سازمان خود را «جنبشی بین‌المللی برای از بین‌بردن سلاح‌های هسته‌ای» معرفی کرده است که توسط ۳۰۰ نفر از رهبران جهان و کارشناسان مسائل هسته‌ای حمایت می‌شود و قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ جهانی بدون سلاح هسته‌ای را محقق کند. این جنبش مدعی است گفتمان «امنیت ملی بر پایه تهدید»، گفتمانی متعلق به قرن بیستم است که با پایان جنگ سرد به پایان رسیده و معتقد است جهان بدون تهدید هسته‌ای امکان‌پذیر است. این جنبش بهترین راه برای جلوگیری از تهدید هسته‌ای را ایمن‌سازی تمامی مواد هسته‌ای و از بین‌بردن تمامی سلاح‌های هسته‌ای در جهان می‌داند. این جنبش تلاش‌هایی هم در راستای آگاه‌سازی افکار عمومی درباره وضعیت و تعداد فعلی سلاح‌های هسته‌ای در سرتاسر جهان داشته است. آمار گلوبال زیرو در این زمینه می‌گوید در حال حاضر ۹ کشور جهان دارای سلاح هسته‌ای هستند که در این میان روسیه با هشت‌هزارو ۵۰۰ سلاح و ایالات متحده با هفت‌هزارو ۷۰۰ سلاح بیشترین سلاح هسته‌ای را دارند. فرانسه با ۳۰۰ و انگلستان با ۲۲۵ سلاح هسته‌ای در رتبه‌های بعدی قرار دارند. در منطقه خاورمیانه، اسرائیل ۸۰ سلاح هسته‌ای دارد. کره شمالی با کمی بیش از ۱۰ سلاح هسته‌ای رتبه آخر در فهرست کشورهای مجهز به سلاح هسته‌ای را داراست. در مجموع در کل جهان بیش از ۱۶هزار سلاح هسته‌ای وجود دارد و در دو دهه گذشته تلاش‌های بسیاری ازسوی گروه‌های تروریستی برای سرقت مواد هسته‌ای قابل انفجار شده که ۲۵ مورد از آنها موفقیت‌آمیز بوده است، با اتکای به این آمار، این جنبش معتقد است بهترین راه برای از بین‌بردن تهدید جنگ هسته‌ای از بین‌بردن کامل سلاح‌های هسته‌ای و اطمینان پیداکردن از ایمن‌بودن برنامه‌های هسته‌ای کشورهاست. به همین دلیل این جنبش حمایت گسترده‌ای از توافق هسته‌ای با ایران به عمل آورده است. ویدئویی که این جنبش با همکاری ستاره‌های هالیوود تهیه کرده تنها بخشی از پروژه گسترده آنها در راستای حمایت از توافق هسته‌ای با ایران است. پروژه «حمایت از توافق با ایران» که این جنبش پیگیری می‌کند، اکنون در کل جهان حامیان زیادی پیدا کرده است. حامیان این پروژه ضمن ثبت‌نام در وب‌سایت این جنبش، پلاکاردی را نیز تهیه می‌کنند که روی آن نوشته‌اند چرا از توافق هسته‌ای دفاع می‌کنند و بعد عکس خودشان به همراه پلاکارد را با دیگران به اشتراک می‌گذارند. در میان پلاکاردهایی که تاکنون منتشر شده است دلایل بسیاری برای حمایت از توافق هسته‌ای دیده می‌شود؛ مثل دلیل جودیت از کارولینای آمریکا که گفته: «از توافق هسته‌ای حمایت می‌کنم؛ چون دیپلماسی بهترین راه برای برقراری صلح است». این پروژه همچنان ادامه دارد. یکی از پروژه‌های قبلی این جنبش «نه‌گفتن به زرادخانه هسته‌ای یک تریلیون داری بریزندت اوباما» بود.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۴ • ۲۰ شوال ۱۴۳۶ • ۶ آگوست ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۶۵ • ۲۰ صفحه اذان ظهر تهران ۱۳:۱۰ • اذان مغرب ۲۰:۲۴ • اذان صبح فردا ۴:۴۱ • طلوع آفتاب ۶:۱۶

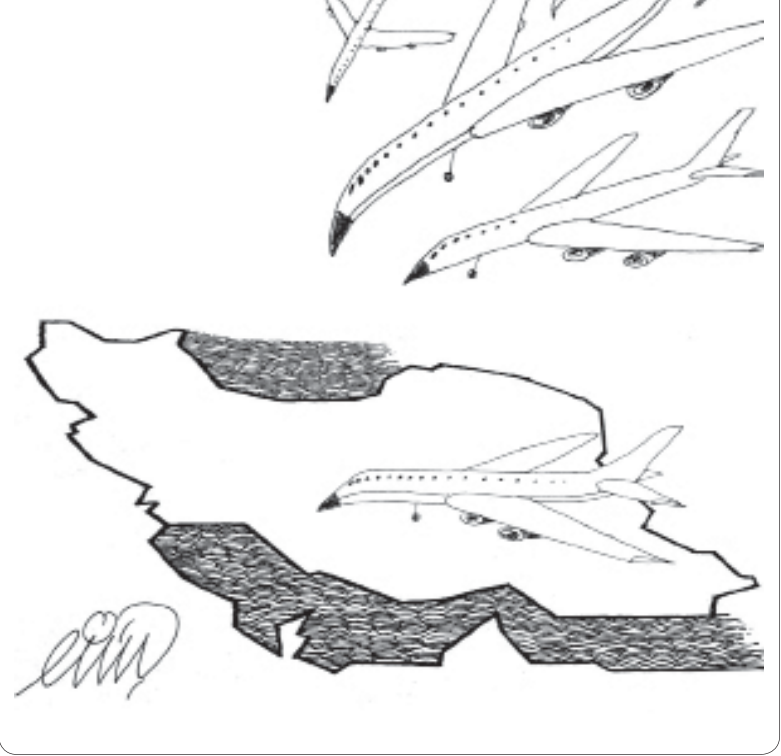
روزنامه‌فردا

کارتون خواب



علی جهانشاهی

به زودی گردشگران خارجی در ایران زیاد می‌شوند



گزارش فردا

فقط تا جمعه فرصت هست

کودکان افغان در راه مدرسه



سعید برآبادی

عکس از خود و فرزندشان می‌توانند امیدوار باشند کار بدون هیچ مشکلی انجام خواهد شد. اما به محض بازگشایی اردوگاه، ثبت‌نام آغاز شد و اتفاقاً تمام ۲۲ کودک افغان که از سوی این مرکز روانه سلیمان‌خانی شده بودند توانستند نامشان را به ثبت برسانند. این خانه کودک البته ششش کودک افغان دیگر را هم تحت پوششش خود دارد که احتمالا تا فردا ساعت دو که آخرین مهلت ثبت‌نام است، به این فهرست اضافه خواهند شد.

اما برخی از کودکان افغان خانه کودک ناصرخسرو با یک مشکل مهم در سر راه ثبت‌نام مواجه بودند؛ نبود خانواده‌ای که کار ثبت‌نام آنها را انجام دهد.

براساس اعلام وزارت کشور، پدر و مادر کودکان افغان باید برای ثبت‌نام آنها وارد عمل شوند حال آنکه کودکان کار، اتفاقاً مشکلاتان این است که از نبود سرپرست رنج می‌برند. انجمن حمایت از کودکان کار طرحی نوشته‌که در صورت تصویب، می‌تواند گرهی از کار کودکان کار

افغان باز کند. براساس این طرح، ثبت‌نام دانش‌آموزان برای تحصیل در ساعت‌های ۷:۳۰ تا ۹:۳۰ صبح بهتر است در مدرسه‌ای صورت بگیرد که در نزدیکی بازار تهران و در محل کار این کودکان وجود دارد، چراکه در غیراین صورت، آنها توانایی ادامه تحصیل در یک مدرسه دورتر را نخواهند داشت.

فقط تا ساعت ۱۴ روز جمعه برای ثبت‌نام کودکان افغان در مدرسه فرصت هست و در این یک روز باقی‌مانده، نهاده‌ها و تشکل‌های زیادی دست‌به‌دامن رسانه‌ها مدارک قانونی مهاجرت می‌توانند برای ثبت‌نام برپیدوشروط در مدارس به محل‌هایی مراجعه کنند که از سوی دفاتر امور اتباع و مهاجران خارجی مشخص شده.

از صبح چهارشنبه، اولیای کودکان افغان برای انجام اولین مرحله ثبت‌نام که همان مرحله «نوبت‌دهی» است، به سمت اردوگاه سلیمان‌خانی روانه شده بودند؛ اردوگاهی که در تهرانسر و نزدیکی‌های جاده قدیم کرج قرار دارد. آنها نگران بودند و با اینکه بهشان این تعهد و قول داده شده بود که هیچ شهریه‌ای بابت ثبت‌نام فرزندشان نباید پرداخت کنند، با شک‌وت‌ردید منتظر مانده بودند تا در پایان کار مشخص شود تنها به صرف چند قطعه



سیدحسین موسوی‌چلک

یکی از ثمرات توافق هسته‌ای ایران با کشورهای جهان، افزایش رونق اقتصادی کشور و گسترش بسترهای سرمایه‌گذاری خارجی خواهد بود، بنابراین نگرانی مهم جامعه در روزهای پس از توافق، این است که روند توسعه اقتصادی تا چه حد به پیوسته‌های اجتماعی مجهز خواهد بود. جامعه‌ای که مدت‌ها منتظر شنیدن خبر توافق هسته‌ای بوده، با دوری از هیجان‌زدگی، ابعاد اجتماعی تصمیمات اقتصادی خود را به‌درستی

کودکی

فرهنگ‌نامه‌ای قدغرییل!



محمدهادی محمدی

داستان «مهمان‌های ناخوانده» چنین آغاز می‌شود: در یک ده کوچک، پیرزنی زندگی می‌کرد. این پیرزن یک حیاط داشت قد یک غریبل که یک درخت داشت قد یک چوب کبریت. پیرزن خوش‌قلب و مهربان بود. بچه‌ها دوستش داشتند. بن‌مایه این داستان یک چیز شگفت در خود دارد: اگر مهر دیگران را در دل داشته باشی، حتی در یک خانه قد غریبل برای همه جا هست و جا کم نمی‌آوری. اینها را گفتم تا یادی کنم از توران میرهادی که این‌روزها خانه فرهنگ‌نامه را که قد غریبل است، گذاشته و در خانه خودش روزگار را به آرامش می‌گذرانند. از نگاه من، او یکی از واقع‌بین‌ترین انسان‌هایی است که تاکنون دیده‌ام. هنگامی که توان خود را رو به کاشش دید، سلوکی تازه پیشه کرد؛ سلوکی که هسته آن سیاست و شکرگزاری از همه‌چیز و همه‌کس بود. همه آنها که او را می‌شناسند، می‌دانند که میرهادی یک پدیده است؛ پدیده‌ای در پیکر یک انسان که به معنای انسانیت افزوده است. او و هم‌راهان دیگرش مانند معصومه سهراب (مافی) که دیگر نیست، در روزگار خود، هم‌زمان هم قامت آموزش‌وپرورش را بالا کشیدند و هم نهاد کودکی و ادبیات کودکان را در ایران پایه گذاشتند. هنگامی هم که دورانی دیگر برآمد، در خانه قد غریبل شورا، نهاد فرهنگ‌نامه از این فرهنگ‌نامه که ویژه کودک و نوجوانان این مرزوبوم است، منتشر شده است. فرهنگ‌نامه‌ای که میرهادی و هم‌راهان او پیش برده و می‌برند، یکی از معماهای شگفت این سرزمین است. این معما دو سویه دارد. یک‌سویه آن آفرینش این اثر در یک فضای صدوجنده‌تری در قلب تهران است؛ تهرانی که یکی از شاخصه‌های آن پربودن از فضاهای خالی است؛ فضاهایی چندصدمتری و چندهزارمتری که سال‌هاست درهای آن بسته است و جز غبار مرده چیزی از آن بیرون نمی‌زند. فرهنگ‌نامه در این فضای بسیار کوچک تولید می‌شود درحالی‌که به‌طور مطلق فاقد هرگونه فضای پژوهشی است. این را می‌توانید با فضای دائره‌المعارف اسلامی در شمال تهران بسنجید که یک فضای آکادمیک ملی در معنای واقعی آن است. هردو آنها دارند فرهنگ‌نامه تولید می‌کنند؛ یکی برای مخاطبان کودک و نوجوان و دیگری برای مخاطبان بزرگ‌سال. باید به خود پایبام که دائره‌المعارف اسلامی چنین فضایی برای پژوهش دارد، اما درهمین‌حال باید از خود خجل و شرمندۀ باشیم که فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان در فضایی قد غریبل دارد تولید می‌شود. اما سویه دوم این معما این است که ساحت فرهنگی سرزمین ما را تاکنون کسانی ساخته‌اند که موقعیت‌های قد غریبلی داشته‌اند. یادمان باشد که علامه دهخدا فیش‌های لغت‌نامه خود را پشت یا روی کاغذ سیگار می‌نوشت. جبار باغچه‌بان که استاد توران میرهادی بود همه است، بیشتر فصل‌های زندگی‌اش را در موقعیت‌های قد غریبلی گذراند. آنها انسان‌هایی بوده‌اند که از کمترین امکانات، پربارترین پدیده‌ها را برای کشور خود ساختند. اما خوشکاری ما چیست؟ ستایش از آنها؟ این کافی نیست. ما دو مسئولیت داریم، نخست اینکه فرهنگ‌نامه را از موقعیت قد غریبلی رهایی ببخشیم و این کار را با آگاه‌سازی توانگران و نهادهایی مانند شهرداری که صاحب بسیاری از ساختمان‌های مناسب برای این کار است انجام دهیم و دیگر اینکه آموزش‌وپرورش را بیدار کنیم که فرهنگ‌نامه کودک و نوجوان ویژه دانش‌آموزان این سرزمین تولید شده است. این یک یک اثر ملی است. اگر جای این اثر ملی در مدرسه‌ها نیست، پس جگاست؟ گفته می‌شود آموزش‌وپرورش با این سطح از بودجه توان خرید این مجموعه را برای مدارس خود ندارد. اما هستند بسیار کسانی که در مدرسه‌های دیروز خود دانش آموخته و موقعیت کسب کرده‌اند، آیا این کسان نمی‌توانند چند دوره فرهنگ‌نامه بخزند و به مدرسه‌ها هدیه بدهند؟ آیا کار نیکوکاران مدرسه‌ساز، تنها تأمین آجر و خشت مدرسه است؟

می‌سنجد تا بیش از هرچیزی از این امکان ایجادشده در راستای تحقق اهدافی استفاده کند که پیش از این می‌خواسته برای جامعه دهد اما توانایی انجامش را نداشته است و آن، تقویت حوزه اجتماعی در حوزه‌های مختلف است. براین اساس، گام‌های دولت پس از توافق، در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعالیت‌هایی است که می‌تواند به افزایش سرمایه‌های اجتماعی و بهبود شرایط جامعه بینجامد. «ارتقای سلامت اجتماعی»، «توانمندسازی اقشار نیازمند»، «پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی» و «فرآگیری خدمات اجتماعی» با بهره‌گیری از ظرفیت سازمان‌های غیردولتی در تمام مناطق کشور از اهم این فعالیت‌ها به‌شمار می‌رود. باید توجه داشته باشیم که برنامه ششم کشور

کارهای عقب‌مانده دولت

پیوست اجتماعی توسعه اقتصادی رافراموش نکنیم

در شرایطی تهیه شده که سیاست‌های کلی آن پیش از توافق تعیین و بررسی شده است که حالا در شرایط پس از توافق، نیاز به تدوینی تازه در سیاست‌های ابلاغی این برنامه داریم که طبعاً باید بهبود شرایط اجتماعی را در آن بیشتر مدنظر قرار داده باشیم. نکته دیگری که در این شرایط ذهن مددکاران اجتماعی و دلسوزان جامعه را درگیر کرده، این است که موتور محرکه ما در یک جامعه پویا، شاخص سرمایه‌های اجتماعی و استفاده از ظرفیت جوانان در توسعه خدمات اجتماعی است. نباید در روزهای پس از توافق، به‌دلیل سیاسی شدن فضای جامعه، از سرمایه‌گذاری اجتماعی روی کودکان غافل شد چراکه آنها، آینده کشور را خواهند ساخت.

❖ رئیس انجمن مددکاران ایران

آکادمی

موسیقی در حرکت، حرکت در موسیقی



عبدالرحمن نجل‌رحیم • عمب‌شناس و عمب‌پژوه

تا ما را از خطر دور و به خواسته‌ها نزدیک کند. در همین ابتدای کار در رابطه‌ای موسیقایی است که روایت و قصه و زندگی‌مان اهمیت پیدا می‌کند. در همین هنگامه آغازین است که ما زیبایی را از دل رابطه‌ای احساسی و هیجانی بیرون می‌کشیم و از آن لذت می‌بریم.

اولین درس اخلاق در رابطه با دیگری و امکان مشارکت در زیر و بم عاطفی و تعامل و تعاون با او را تجربه می‌کنیم. با این آمادگی‌های زودرس نمی‌تواند بعید باشد که در خارج از رحم، شش‌ماه بیشتر طول نکشد که ما بتوانیم موازین موزون اولیه موسیقی سرزمین مادری خود را از موسیقی‌های دیگر فرهنگ‌ها تشخیص دهیم، زمانی که هنوز راه نیفتاده و از یادگیری زبان مادری ناتوانیم. پس موسیقی قبل از زبان با ما هست و شاید موسیقی تمرینی برای آماده‌سازی دستگاه حرکتی بدن ما برای یادگیری زبان باشد.

همان‌طوری که به‌نظر می‌رسد اجداد ما هم قبل از اینکه با زبان، ارتباطات خود را تقویت کنند، با موسیقی اصوات، خوشایندی یا ناخوشایندی آن، حرکات و کنش‌های پنهان را درک و پیش‌بینی می‌کرده و برای ماهرانه‌ترکردن حرکات کنشی در جمع، از آن بهره می‌گرفته‌اند. شاید به همین دلیل است که موسیقی نزدیک‌ترین و بلافاصله‌ترین هنرها به ماست و با عمیق‌ترین احساسات درونی ما سروکار دارد و در ضمن، اجتماعی‌ترین هنرها نیز هست.

بااین‌همه، من با «استیون پینکر» موافق نیستم که فکر می‌کنند هنر موسیقی از نظر تکاملی ارزش حیاتی ندارد، یعنی مثل زبان تکلمی، غذای اصلی نیست، بلکه مثل دسر خوشمزه‌ای در کنار و حاشیه غذای اصلی یعنی زبان تکلمی انسان است. اگر خوب به نقشه جدیدی از مناطق مغزی درگیر فعالیت موسیقایی در انسان نگاهی بیندازیم، سخت نیست که به باطل‌بودن این نظریه رای دهیم. به‌نظر نمی‌رسد برای تکامل طبیعی باصرفه باشد که برای تهیه یک دسر خوشمزه، این همه وقت و انرژی مغز را صرف کرده باشد.

در سال ۲۰۰۲ نمایشگاهی از مجسمه‌هایی با ژست‌های مختلف از اجساد مردگانی پلاستینه‌شده و به پایاستانده‌شده، دیدم که توسط آناتومیست آلمانی، پروفسور «گوئتر فون هاگنس»، اندام‌های درون بدن آنها تشریح و آشکار، به‌طرز شگفت‌انگیزی به نمایش گذاشته شده بودند. این مجسمه‌ها که رازهای درون بدن انسان را آشکار می‌کردند، گویی موسیقی حرکت را به‌طور منجمدشده در خود داشتند. در همان ایام پروفسور «روروت ویتسنسون» یک مجموعه تلوزیونی ساخت به نام تن انسان؛ سفری شگفت‌انگیز از تولد تا مرگ، که با آخرین تکنیک‌های تصویربرداری، رموزرازهای موسیقی حرکت‌های درون تن انسان را به نمایش می‌گذاشت. در همان سال در باربینگ لندن کنسرتی از هفتادوپنجمین سال تولد «میتسلا روستروپوویچ»، نوازنده ویلنسل معروف روس، برپا شد و در آن اجرائی از یک موسیقی را دیدم که نه سازنده آن را می‌شناختم و نه نوازنده و نه رهبر ارکستر آن را. ولی احساس کردم که با این موسیقی است که می‌توان به کشف حرکت در موسیقی نزدیک شد.

دست‌به‌کار شدم تا با کمک ضرباهنگ و لحن این موسیقی و استفاده از فیلمی از نمایشگاه «هاگنس» و کار «ویتسنسون»، درباره افشای رموزرازهای پنهان تن انسان، روایتی از جان موسیقایی تن انسان با کمک موسیقی بسازم. این کار را تدوین کردم و ۱۲ سال گذشت. اخیراً متوجه شدم که سازنده این قطعه موسیقی «جیا کتچلی» است و آن شب «کیدون کرمر»، نوازنده ویلن و «ماریس جینسون»، رهبر ارکستر آن بود که همه آنها از شوروی سابق پس از یروشتریکا به اروپا آمده بودند. جالب اینکه پس از ۱۲سال تازه فهمیدم که «کتچلی» که به عنوان آهنگ‌سازی می‌شناسند که فرازفرودهای کارهای او به تکنیک‌های مونتژ در سینما شباهت دارد.

حال پس از ۱۲ سال متوجه می‌شوم که چرا در این تجربه، ناآگاهانه برای نشان‌دادن حرکت در موسیقی و موسیقی در حرکت، از موسیقی «کتچلی» استفاده کرده‌ام.

به‌دنبال روایتی از سلسله حرکاتی موزون می‌گردیم «کتچلی» استفاده کرده‌ام.

به‌دنبال روایتی از سلسله حرکاتی موزون می‌گردیم «کتچلی» استفاده کرده‌ام.